

لیبی : بیانیه مقدماتی

گرایش کمو نیست انترناسیونالیستی



به دلیل وضعیت سیالی رویدادهای لیبی، هنوز خیلی زود است که در باره آن، موضع قطعی گرفته شود، در مورد خیلی مسائل نمیتوان قطعی نظر داد. اگر چه به نظر می رسد، سرهنگ روز های آخر خود را میگذرانند، اما او علی رقم اینکه، جامعه جهانی سرمایه داری، همه سلاح های قضایی (دادگاه جنایی بین المللی) و اقتصادی خود، از جمله تحریم اقتصادی و انسداد دارایی ها در خارج از کشور را بکار گرفته، همچنان به دفاع شدید خود ادامه میدهد.

این بدین معناست که ما در حال حاضر فقط به مشاهدات دو موضوع قادریم.

اول اینکه، شورش در بنغازی و شهرهای دیگر در برقه (سیرنیکا)، و همچنین در برخی از شهرهای کوچک جنوب طرابلس، رابطه تحمیلی قذافی با قوم منشاء خود و قبایل دیگر لیبی، که برای بیش از ۴۰ سال مجبور به گردن نهادن به دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی او بودند را، شکسته است.

در پس اینها، خواست خودمختاری قبیله های بورژوازی برقه و فزان، که هرگز از موقعیت خود خشنود نبوده اند، میباشد. شانس دستیابی حریصانه خودگردانی و کنترل درآمد نفت که تا چند هفته پیش، از حقوق ویژه دیکتاتور “سبز” بشمار میرفت، در بروز این خواسته، از اهمیت کمی، برخوردار نبوده است. تصادفی نیست که اولین تظاهرات در شرق کشور، جاییکه در حال حاضر دولت موقت در آن تشکیل شده، وظیفه کنترل میدان های نفتی و تضمین استفاده و بهره برداری از آنها توسط مشتریان بین المللی را، بدست گرفته باشد.

ثبات قبلی بر اساس قدرت بود. کنترل مطلق ارتش، پلیس و نیروی هوایی در دستان قذافی و پسران اوست. آنها از طریق مدیریت گاز ملی و شرکت نفت، اختیار و یا کنترل چاههای نفت را نیز بدست دارند. آنها به متحدین و سران تسلیم شده قبیله های فوق، با توجه به ارزش سیاسی و یا خطر بالقوه شان در صورت عدم همراهی با هر چالشی برای قدرت “رنیس”، مقدار ناچیزی از درآمد های اشاره شده را در اختیار آنها میگذاشتند. در حال حاضر این نظم و ترتیب شکسته شده است. قبایل بزرگتر همانند ورفله، که کنترل منطقه وسیعی از جنوب طرابلس را بدست دارد، در مقابل حکومت قد علم کرده است. آنها قبلا نیز، در سال ۱۹۹۳ در اوج تحریم های بین المللی، پس از بمب گذاری لاکربی، برای کودتا بر

علیه دولت طرابلس، تلاش کرده بودند. قذافی وحشیانه با تیرباران کردن ده ها نفر در ملاء عام و بیش از ۲۰۰ بازداشت آنها را سرکوب کرد. قبیله الزویه، که در منطقه مرکزی بین طرابلس و بنغازی سکونت دارند، مصراته و ابو اللیل، که کنترل منطقه خطوط لوله های نفتی در منطقه شرق برقه در اختیار دارند، ابتکار سوار بر امواج اعتراضات مردمی را، برای تلاش به پایان دادن به بازی چهل ساله، بدست گرفتند. همه قبایل، صاحب ارتش با زرادخانه های سلاح های کوچک اند. در دوره اولیه شورش، آنها به پادگان ها و اسلحه خانه ها حمله کردند. در وضعیت کنونی بحران لیبی، دومین صادر کننده نفت در کل قاره آفریقا بعد از نیجریه و دوازدهمین در جهان، وقوع جنگ داخلی بین قبایل، و یا به عبارت بهتر، جناحهای بورژوازی برای سلطه اقتصادی و سیاسی کشور، محتمل به نظر می رسد.

مشاهده دوم بر احتمال بروز گسیختگی و قطع، در تعادل قدرت های موجود در جبهه انرژی در خاورمیانه، با تمامی پیامد هایش، میباشد. بی دلیل نیست که سه ناو هواپیمابر ایالات متحده به سمت خلیج سیدرا عازم شده اند. نخست وزیر بریتانیا، کامرون هم در حال انجام همین کار است. دلمشغله های امپریالیستی آنگلو ساکسون، صرفا در مورد سرنوشت آینده نفت و گاز لیبی نیست. این بسیار مهم است اما در توازن انرژی بین المللی تعیین کننده نیست. چیزی که آنها را واقعا نگران میکند گسترش بحران به شبه جزیره عربستان است. توفان شورش از یمن، عمان و بحرین که جنوب غربی و جنوب شرقی عربستان سعودی، بزرگترین تولید کننده نفت جهان و منبع اصلی دستیابی ایالات متحده آمریکا را احاطه کرده، در حال وزیدن است. اگر طوفان، ریاض را نیز در بر گیرد، ضرورت عوامل بازدارنده روانی و فشار سیاسی از بین رفته و هیچ مانعی برای تغییر موقعیت و اعمال

مانورهای نظامی وجود نخواهد داشت. وقتی که تامین منابع نفتی خاور میانه در میان باشد، به کسی اجازه ور رفتن به آن داده نخواهد شد. امپریالیسم آمریکا در حال حاضر درگیر دو جنگ ناتمام است و مصرانه برای حمل و نقل و تجارت طلای سیاه از آسیای مرکزی تا سواحل دریای مدیترانه تلاش میکند. در مواجهه با شرایط بحرانی مشابه در بنادر عربستان، آمریکا از هم اکنون، نمایش قدرت نظامی خود را آغاز کرده است. فعلا، ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفته است که منتظر بماند. حتی چین که در حال حاضر در نیجر، نیجریه، سودان و چاد حضور دارد، صرفا به ایستادن و تماشا کردن بسنده نخواهد کرد. همه اینها در مقابل چشمان صدها هزار نفر از پناهجویان — قربانیان نزاع داخلی بورژوازی و بازی های بین المللی امپریالیستها — راجع به کسانیت که طبق معمول برایشان دعا خوانده میشود، اما تا به حال هیچ چیز از کمک های بشردوستانه بصورت ملموس و واقعی نصیبشان نشده است.

برای توده های کارگر لیبیایی، اگر همچنان جذب قبیله گرایی شوند و اگر به دام خواسته های فرصت طلبانه اپوزیسیون بورژوازی برای آزادی و دموکراسی که در تقابل با استبداد علم شده، بیفتند. هیچ امکان رهایی وجود نخواهد داشت. در بهترین حالت، این آزادی و دموکراسی، مبنای سیاسی و ایدئولوژیک جدید و بهتر از قبل، برای انجام فرایند انقیاد و استثمار خواهد شد. تسویه حساب های قبیله ای — یا به عبارت بهتر کشمکش های بورژوازی که از وجود خود آنها برمیخیزد — و همچنین تحریک بیقرار و حریصانه رو به افزون امپریالیسم، بازتاب مسائل عمیق تریست. علت واقعی این بحران، وجود سیستم اقتصادی، تحت نام سرمایه داریست.

اف دی